



Political Ethics Approach in the Thought of Ayatollah Mahdavi Kani

Mahdi Naderi*

Abstract

The present study aims to explicate and propose a desirable model of the political ethics approach. Employing a qualitative, text-centered hermeneutic method, it seeks to answer the main question: What are the defining features of the political ethics approach in the thought of Ayatollah Mahdavi Kani? The findings indicate that Ayatollah Mahdavi Kani's (r.a.) ethical approach to politics is not merely grounded in the theoretical foundations of prevailing ethical schools; rather, it is distinct from them and deeply influenced by revelatory teachings and the conduct (sīrah) of the Infallibles (peace be upon them). He considers the criteria for evaluating political actions to extend beyond outcomes and consequences, emphasizing both the intrinsic goodness of the act (ḥusn fi'lī) and the moral integrity of the agent (ḥusn fā'ilī). Accordingly, he regards self-purification and moral refinement as prerequisites for entering the political arena, and the acquisition of moral virtues as a precondition for realizing political objectives. In essence, by emphasizing the approach of "transcendent ethics," Ayatollah Mahdavi Kani (r.a.) views politics not merely as a domain for acquiring power and interests, but as a field for self-cultivation and attaining human and divine perfection. Thus, through adherence to religious teachings and observance of ethical principles in all spheres of life—especially in politics—a statesman can facilitate the attainment of human perfection and divine proximity for both oneself and society. The "transcendent ethics" approach to politics can therefore serve as an appropriate model for policymakers and officials of the Islamic Republic system.

Keywords: Political ethics, Ayatollah Mahdavi Kani, Islamic governance, Transcendent ethics.

* Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, I.R.Iran (Corresponding author).

Mahdinaderi35@gmail.com

0000-0002-8336-0110

دو فصلنامه علمی «دانش سیاسی»، مقاله پژوهشی، سال بیستم و یکم، شماره دوم (پیاپی ۴۲)، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، صص. ۵۷۱-۵۹۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

مقاله برای بازنگری به مدت ۳۵ روز نزد نویسنده بوده است.

رهیافت اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی

مهدی نادری*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین و ارائه الگوی مطلوب رهیافت اخلاق سیاسی، با روش کیفی از نوع هرمنوتیک متن محور، درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است: مختصات رهیافت اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رهیافت اخلاقی آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه) در حوزه سیاست، نه صرفاً مبتنی بر مبانی نظری مکاتب رایج اخلاقی، بلکه متفاوت از آن‌ها و متأثر از آموزه‌های وحیانی و سیره معصومین (علیهم‌السلام) است. ایشان معیار ارزش‌گذاری اعمال سیاسی را فراتر از نتایج و پیامدها، حُسن فعلی و حُسن فاعلی می‌دانند. از این رو، تزکیه نفس و تهذیب اخلاق را لازمه ورود به عرصه سیاست و کسب فضایل اخلاقی را مقدمه‌ای برای تحقق اهداف سیاسی به حساب می‌آورند. در واقع، آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه) با تأکید بر رهیافت «اخلاق متعالی»، سیاست را نه صرفاً عرصه کسب قدرت و منافع بلکه میدانی برای خودسازی و رسیدن به کمال انسانی و الهی می‌دانند. از این رو، سیاستمدار می‌تواند از طریق عمل به آموزه‌های دینی و رعایت اصول اخلاقی در تمام عرصه‌های زندگی، به‌ویژه در عرصه سیاست، زمینه رسیدن به کمال انسانی و قرب الهی خود و جامعه را فراهم سازد. رهیافت «اخلاق متعالی» در امر سیاست می‌تواند الگویی مناسب برای سیاستمداران و کارگزاران نظام جمهوری باشد.

واژگان کلیدی: اخلاق سیاسی، محمدرضا مهدوی کنی، حکمرانی اسلامی، اخلاق متعالی.

مقدمه

بیان مسئله: جمهوری اسلامی ایران که داعیه حکمرانی دینی دارد طبیعتاً باید فرمایش نورانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) - «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» - را سرلوحه سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدام‌های خود در حیات فردی، سیاسی و اجتماعی شهروندان قرار دهد. بی تردید یکی از مسائل بنیادین حکمرانی، تنظیم رابطه یا نسبت اخلاق و سیاست در جامعه است تا از رهگذر آن دولتمردان و شهروندان بتوانند در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی، زیست اخلاقی را تجربه نمایند. تجربه حکمرانی در جمهوری اسلامی بر این نکته تأکید دارد که برخی دولتمردان و سیاستمداران در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی، تقید و پابندی به اصول و قواعد اخلاقی داشته‌اند. باین حال، نظریه مدون اخلاق سیاسی که برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی باشد تاکنون توسط اندیشمندان و پژوهشگران ارائه نشده است. در این میان، می‌توان با تدقیق در تفکر و رفتار سیاسی حضرت آیت الله مهدوی کنی (رحمت الله علیه) - به عنوان عالم دینی، استاد اخلاق، کنشگر فعال و مؤثر سیاسی و در عین حال مظهر اخلاق‌مداری در سیاست‌ورزی - طرحواره‌ای از مختصات اخلاق سیاسی در حکمرانی جمهوری اسلامی ترسیم کرد.

اهمیت: حکمرانی مطلوب دینی به معنای فراهم‌سازی شرایط برای زیست مؤمنانه در راستای تحقق سعادت دنیوی و اخروی شهروندان است. اگر ساحت دین اسلام را مجموعه عقاید حقه، اخلاق و رفتار بدانیم قاعدتاً ساحت اخلاقی اسلام باید بر عرصه حیات فردی، سیاسی و اجتماعی مسلمان چتر اخلاقی بگستراند. از این رو لازمه هرگونه کنشگری اخلاقی در عرصه سیاست، داشتن ادراک نخبگانی از نظریه «اخلاق سیاسی» همسو با نظام ارزشی و هنجاری شهروندان می‌باشد و تحقق این امر، منوط به داشتن و پیمودن نقشه اخلاقی در بزرگراه سیاست است.

ضرورت: سیاست عرصه نزاع قدرت و تراحم منافع بین جریان‌ها، جناح‌ها، احزاب و نیروهای مخالف و بعضاً معارض است. عدم پابندی به اخلاقیات در عرصه سیاست زمینه برای ایجاد فساد، بی‌عدالتی و خشونت را فراهم می‌سازد. حتی رفتار اخلاقی با مخالفان و دشمنان می‌تواند ضمن خنثی کردن بسیاری از پیامدهای خصومت و دشمنی، زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز را ایجاد نماید؛ بنابراین به لحاظ حکمرانی، تحقق حیات

اخلاقی در عرصه سیاست، خاصاً از نظرگاه شریعت مقدس اسلام امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

اهداف: شناسایی، ادارک و معرفی مختصات رهیافت اخلاق سیاسی با تأکید بر اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی، هدف اصلی پژوهش حاضر می‌باشد. در این راستا، سه هدف فرعی زیر نیز مدنظر پژوهش می‌باشد:

۱- تبیین ناسازگاری رهیافت‌های اخلاق سیاسی موجود با رهیافت اخلاقی آیت‌الله مهدوی کنی؛

۲- ارائه طرح‌واره‌ای از نظریه اخلاق سیاسی ناظر بر گفتمان اسلام شیعی با تأکید بر اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی؛

۳- معرفی ظرفیت‌های فکری و نخبگانی تأثیرگذار در جمهوری اسلامی - همچون آیت‌الله مهدوی کنی - در راستای تولید علوم انسانی بومی.

سؤال: پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نیست؛ بنابراین جنبه استفهامی داشته و درصدد پاسخگویی به این پرسش اصلی است: رهیافت اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی چیست؟ پرسش‌های فرعی: ۱- وجوهای ناسازگاری اخلاق فضیلت‌گرا، وظیفه‌گرا و نتیجه‌گرا با تأکید بر اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی چیست؟ ۲- مختصات اخلاق سیاسی با تأکید بر اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با مسئله پژوهش، آثاری غیرمستقیم منتشر شده است:

۱-۱. پیشینه پژوهش در نشریه دانش سیاسی

پیشینه پژوهش در نشریه دانش سیاسی از دو منظر قابل بررسی است:

الف. مقالاتی که به مسئله اخلاق و سیاست پرداخته‌اند: گرچه مقالات متعددی در نشریه دانش سیاسی منتشر شده‌اند که نیم‌نگاهی به مقوله اخلاق در سامان‌دهی پژوهش داشته‌اند؛ اما پنج مقاله به صورت خاص مسئله اخلاق و سیاست را مورد کندوکاو قرار داده‌اند. احمدی طباطبایی (۱۳۸۴)، تأثیر رساله اخلاق ارسطو در میراث اخلاقی و مدنی حکمای اسلامی؛ خانی (۱۳۸۹)، نسبت بین اخلاق و منفعت در روابط بین‌الملل؛ نادری

(۱۳۹۶)، مدل نظری «اخلاق جنگ» در تفکر شیعی با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت‌الله سیستانی؛ میرعابدینی و احمدی طباطبائی (۱۳۹۷) رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی؛ فرهادی و شفیعی قهفرخی (۱۴۰۲) بازنگری سیاست مقاومت در سپهر نظریه‌های اخلاق هنجاری را مورد بحث قرار داده‌اند.

ب. مقالاتی که تمرکز بر اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی - مورد پژوهی - داشته‌اند: طحان نظیف (۱۳۹۸) به مسئله ولایت فقیه در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه) و موحدیان و افتخاری (۱۴۰۱) به تحلیل جایگاه روحانیت در سیاست از منظر آیت‌الله مهدوی پرداخته‌اند. در این راستا، افتخاری و شهباز (۱۳۹۹) ابعاد امنیت از منظر آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه)؛ و موحدیان و افتخاری (۱۳۹۶) ابعاد مفهومی مدارای سیاسی در جامعه اسلامی با تأکید بر اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی مورد بحث قرار داده‌اند که صرفاً مقاله‌مدارای سیاسی ارتباط موضوعی با مسئله پژوهش این نوشتار دارد.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع علمی

الف. مقالاتی که به صورت خاص به مسئله اخلاق در اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی پرداخته‌اند: حسینی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله خود ضمن تأکید بر کاربست سیاست‌های اخلاقی در اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی به شناسایی برخی از مؤلفه‌های سیاست مذکور در مواجهه با پنج گروه مخالفان، دوستان، دشمنان، خود و عموم مردم اشاره داشته‌اند. برادران و موحدیان (۱۴۰۱)، از اخلاق‌مداری با چهار شاخص اعتدال‌پایدار، جذب حداکثری، اخلاص در سیاست‌ورزی و نتیجه‌محوری به جای نیت‌خوانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های چهارگانه تربیت‌یافتگی سیاسی یاد می‌کنند. حیدری و طحان نظیف (۱۴۰۰)، بر این نکته تأکید دارند که در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی قواعد اخلاقی سایه بر سر فقه و قوانین موضوعه منبعث از آن انداخته و اساساً فقه و حقوق موضوعه برخاسته از آن، رقیقه‌ای از اخلاق و پیش از آن اعتقادات است.

ب. آثاری که به صورت عام، نیم‌نگاهی به مسئله اخلاق و سیاست در اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی داشته‌اند: عموم آثاری که در رابطه با آیت‌الله مهدوی کنی به

نگارش درآمدۀ است به‌دلیل برجستگی دو شاخص «سیاستمداری» و «اخلاق‌مداری» در کنار شخصیت علمی - مجتهد و عالم اخلاق - ایشان، اجمالاً و گذار به وجوہات اخلاق و سیاست در اندیشہ و عمل آیت‌الله مهدوی اشاره داشته‌اند (قیصری، ۱۳۹۵؛ موحدیان و فقیہ حقانی، ۱۳۹۷؛ موسوی صمدی، ۱۳۹۸؛ پورجعفری صدرآباد، ۱۳۹۸؛ علوی و جعفری هفتخوانی، ۱۳۹۹؛ افتخاری، ۱۴۰۰).

بررسی پیشینه پژوهش بیانگر این نکته است که در آثار منتشر شده به اخلاق‌مدار بودن آیت‌الله مهدوی کنی در عرصه سیاست اشاره و بعضاً برخی از اصول و قواعد اخلاقی که ایشان ملتزم بوده‌اند شناسایی و معرفی شده‌اند. این پژوهش از این حیث که تلاش دارد به مسئله اخلاق سیاسی در اندیشہ و عمل آیت‌الله مهدوی کنی به‌صورت مبنایی توجه نماید و مختصات رهیافت نظری مدنظر ایشان را ترسیم نماید کاملاً نوآوری دارد.

۲. چهارچوب نظری

پرسش از نسبت، تعامل یا پیوند اخلاق و سیاست، پیش از هر چیز، مستلزم واکاوی در جغرافیای معرفتی فلسفہ اخلاق است. به‌طور کلی، مباحث مربوط به مطالعات اخلاقی را می‌توان در سه حوزه اصلی فرااخلاق^۱، اخلاق هنجاری^۲ و اخلاق توصیفی^۳ طبقه‌بندی کرد. در حوزه فرااخلاق، پژوهشگر با رویکردی فلسفی و عقلانی به تحلیل مفاهیم و احکام اخلاقی از منظر معناشناسی، وجودشناسی و معرفت‌شناسی می‌پردازد. اخلاق هنجاری در پی تبیین معیارها و اصول کلی تشخیص «حُسن» و «قُبیح» افعال اختیاری انسان و بنیان‌گذاری نظامی است که بتوان بر اساس آن، کنش‌های اخلاقی را ارزیابی کرد. درمقابل، اخلاق توصیفی بر مطالعه و گزارش نظام‌های اخلاقی در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون در طول تاریخ و بررسی پیامدهای آن‌ها متمرکز است.

در این میان، مطالعات اخلاقی در عرصه سیاست ذیل شاخه اخلاق کاربردی جای می‌گیرد. حوزه‌هایی چون اخلاق سیاسی، اخلاق روابط بین‌الملل، اخلاق قضائی، اخلاق پزشکی و نظایر آن، از مصادیق بارز اخلاق کاربردی محسوب می‌شوند. از منظر

1. Meta-Ethics
2. Normative ethics
3. Descriptive ethics

معرفت‌شناختی، میان سطوح سه‌گانه یادشده نوعی رابطه تدرّجی برقرار است؛ بدین معنا که فرااخلاق به بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های اخلاق هنجاری می‌پردازد و اخلاق هنجاری نیز مبنای نظری اخلاق کاربردی را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، اخلاق کاربردی تجلی و تحقق عملی اصول اخلاق هنجاری در عرصه‌های عینی و تخصصی است. زمانی که در قلمرو اخلاق هنجاری، این پرسش طرح می‌شود که: «در شرایط و موقعیت‌های سیاسی، چه باید کرد و چه نباید کرد؟»، در واقع، اخلاق کاربردی - به ویژه اخلاق سیاسی - متکفل پاسخ‌گویی به این پرسش است (نک: داروال، سخن مترجم، ۱۳۸۱، صص. ۹-۱۳). تفاسیر و پاسخ‌های متفکران و صاحب‌نظران اخلاق‌پژوه پیرامون پرسش‌های بنیادین در اخلاق سیاسی که پیرامون پنج پرسش اصلی - به شرح شکل ۱ - مطرح می‌شود سبب تمایز و افتراق و صورت‌بندی مکاتب اخلاق هنجاری و به تبع آن اخلاق کاربردی - مثلاً اخلاق سیاسی - شده است:



شکل (۱): مسائل نظام دانایی در اخلاق سیاسی

در پاسخ به پرسش‌های یادشده، سه مکتب اصلی در فلسفه اخلاق قابل شناسایی است: **وظیفه‌گرایی (اصالت وظیفه)**^۱، **نتیجه‌گرایی (اصالت نتیجه)**^۲ و **اخلاق فضیلت‌محور**^۳. در چهارچوب این مکاتب، **اخلاق هنجاری** به تجویز و تعیین معیارهای کنش اخلاقی می‌پردازد. براین اساس، گونه‌های مختلف **اخلاق سیاسی** - که شاخه‌ای از **اخلاق کاربردی** به‌شمار می‌آید - در قلمرو این سه مکتب مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرند:

۱-۲. نتیجه‌گروی یا اصالت نتیجه

این مکتب در قرن هجدهم توسط جرمی بنتام بنیان‌گذاری شد و جان استوارت میل آن را بسط و تکامل داد. بنتام در *مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانون‌گذاری* می‌گوید: «طبیعت انسان را زیر فرمان دو استاد قرار داده است: لذت و رنج» (Bentham, 1988, p. 1)؛ بنابراین، عمل سیاسی درست، عملی است که بیش‌ترین میزان خوشی را برای بیش‌ترین تعداد افراد فراهم آورد. در سیاست، این مکتب منجر به رویکردهایی نظیر سیاست رفاهی، ارزیابی هزینه - فایده و تصمیم‌گیری مبتنی بر پیامدها می‌شود (Smart & Williams, 1973, pp. 95-100). در این مکتب، سعادت در نیل به لذت و منفعت جمعی، ملاک اخلاق است. به اعتقاد میل، «معیار خوب و بد اعمال بستگی به میزان شوق و رنجی دارد که در ما ایجاد می‌شود. پس اگر موجب شادی ما شود، خوب و اگر باعث رنج و درد ما شود بد است؛ خوشبختی یعنی شادی و لذت و فقدان رنج؛ و بدبختی یعنی رنج و درد و محرومیت از لذت». از نظر میل، این اصول مبنا و مقدمه تمام امور اخلاقی است؛ بنابراین تصریح می‌کند که «از نظر من در همه امور اخلاقی سودمندی مقصد نهایی است» (Stuart Mill, 2000, p. 530). بر همین اساس، به اعتقاد بنتام «لذت و دوری از رنج، غایاتی هستند که ارزش قانونی مصوبات را به قانونگذار می‌فهمانند» و سیاست‌هایی که در ما لذت یا شوق ایجاد می‌کند خوب‌اند و سیاست‌هایی که موجب رنج یا افزایش تمایلات شر و شیطانی می‌شود و ما را از زندگی

1. Deontology
2. Teleology
3. Virtue Based ethics

آرام و خوش محروم می‌کند، بدند (Stuart Mill & Bentham, 1978, p. 88). در عرصه سیاست، نگاه متفکرانی چون توسیدید و ماکیاولی حکایت از دیدگاه واقع‌گرایانه و نتیجه‌گرایانه دارد. در دوران جدید، ماکیاولی منادی و احیاء‌کننده این مدل از رابطه اخلاق و سیاست است. ماکیاولی در فصل پانزدهم کتب شهریار با تأکید بر شیوه نو بر این امر «که به جای خیال‌پردازی به واقعیت روی می‌باید کرد» صحنه می‌گذارد و با نقد اخلاف پیشین خود، مدینه فاضله و آرمان‌گرایانی چون افلاطون را از آن باب که «نه کسی دیده است و نه شنیده» به باد انتقاد می‌گیرد: «شهریار که بخواهد شهریاری را از کف ندهد، می‌باید شیوه‌های ناپرهیزگاری را بیاموزد و هرگاه که نیاز باشد به کار بندد» (ماکیاولی، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۲). از این روست که به اعتقاد ماکیاولی انسان باید از «همه وسایل برای رسیدن به مقصود خود، سود جوید». (ماکیاولی، ۱۳۷۷، ص. ۱۵۰).

۲-۲. وظیفه‌گرایی یا اصالت وظیفه

مکتب وظیفه‌گرایی از مهم‌ترین نظریه‌های هنجاری در فلسفه اخلاق و سیاست است که در واکنش به رویکردهای نتیجه‌گرا، توسط ایمانوئل کانت بر پایه «وظیفه» و «امر مطلق» شکل گرفت. به اعتقاد او، ارزش اخلاقی یک کنش نه به نتایج آن بلکه به قانون‌مندی، نیت و اصل اخلاقی حاکم بر آن بستگی دارد (Kant, 1998, p. 31). در این مکتب، درستی یا نادرستی یک عمل وابسته به ماهیت خود عمل و نیت عامل اخلاقی است، نه به نتایج آن (Kant, 1998, p. 31). کانت در برابر نتیجه‌گرایانی همچون بنتام و میل استدلال می‌کرد که تنها زمانی می‌توان عملی را اخلاقی دانست که از روی وظیفه و احترام به قانون اخلاقی عام - نه از روی میل، احساس یا فایده - انجام شده باشد: «فقط عمل ناشی از وظیفه دارای ارزش اخلاقی است» (Kant, 1998, p. 13). در واقع، بر اساس این مکتب، ملاک و معیار فعل اخلاقی و حُسن و قُبْح افعال اختیاری انسان در هماهنگی یا عدم هماهنگی با وظیفه است (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص. ۲۶). در جهان اسلام نیز قائلان به حُسن و قُبْح شرعی نیز بر این دیدگاه تأکید دارند.

۲-۳. اخلاق فضیلت‌محور

اخلاق فضیلت‌گرا ریشه در آراء سقراط و افلاطون داشته اما تبیین منسجم و دقیق این نظریه توسط ارسطو در کتاب اخلاق نیکوماخوس انجام شد. ارسطو فضیلت را «حالتی نفسانی» می‌داند که میان افراط و تفریط قرار داشته و معتقد است از طریق عادت و تربیت به دست می‌آید. او هدف نهایی کنش اخلاقی را سعادت می‌داند که در واقع شکوفایی وجود انسانی است. از نظر او، عمل اخلاقی تنها زمانی درست است که از منش فضیلت‌مند و بر پایه حکمت عملی صادر شود (Aristotle, 1985). به اعتقاد ارسطو، از یک سو فضیلت حد وسط افراط و تفریط بوده و از سوی دیگر، «فضایل و سائلی هستند برای رسیدن به هدفی که سعادت باشد» (راسل، ۱۳۶۵، ج ۱، ص. ۲۶۶). در واقع، اخلاق فضیلت‌گرا به جای تمرکز بر عمل یا پیامد، بر «شخصیت فاعل اخلاقی» و پرورش فضایل درونی تأکید می‌کند. به عبارتی دیگر، اخلاق فضیلت‌محور می‌کوشد تا فارغ از روایی یا ناروایی اخلاقی مبتنی بر وظیفه اخلاقی یا آثار و نتایج مترتب بر فعل، «فرد فضیلت‌مند» تربیت نماید. در این دیدگاه، هدف نهایی اخلاق رسیدن به سعادت انسانی از طریق تربیت فضایل نفسانی است (Hursthouse, 1999). در قرن بیستم - پیرو انتقادات به اخلاق مدرن - مجدداً این سنت اخلاقی احیاء شد. در این راستا، کتاب مک‌ایتتایر با عنوان *After Virtue* نقطه اوج بازسازی این مکتب اخلاقی به شمار می‌آید. مک‌ایتتایر ضمن نقد فروپاشی اخلاق مدرن، اخلاق را نوعی کنش اجتماعی روایت‌مند می‌داند که در بستر سنت‌های فرهنگی و تاریخی معنا پیدا می‌کند. به نظر او، فضایل درون‌الگوه‌ای عمل جمعی و نهادهای انسانی شکل می‌گیرند و تنها درون یک «سنت اخلاقی» قابل فهم‌اند (MacIntyre, 1981).

جدول (۱): ماتریس مختصات مکاتب اخلاق سیاسی

مکاتب و مسائل اخلاق سیاسی	اخلاق نتیجه‌گرا	اخلاق وظیفه‌گرا	اخلاق فضیلت‌گرا
پرسش از منشأ اخلاق سیاسی؟	حُسن و قُبْح نسبی	حُسن و قُبْح نسبی	حُسن و قُبْح ذاتی
پرسش از معیار اخلاق	نتیجه مطلوب	وظیفه مدنظر	فضیلت‌مندی و منش

مکاتب و مسائل اخلاق سیاسی	اخلاق نتیجه‌گرا	اخلاق وظیفه‌گرا	اخلاق فضیلت‌گرا
سیاسی؟			اخلاقی
پرسش از شرط ارزشمندی اخلاق سیاسی؟	حُسن فعلی	حُسن فاعلی	حُسن فعلی
پرسش از غایت اخلاق سیاسی؟	سودمندی فعل	عمل به وظیفه	سعادت‌مندی
پرسش از تزامن عمل با ارزش‌های اخلاقی؟	تقید به ارزش‌های اخلاقی تا زمان سودمندی	انجام وظیفه و نادیده‌گرفتن ارزش‌های اخلاقی	مبادرت به انجام فضیلت

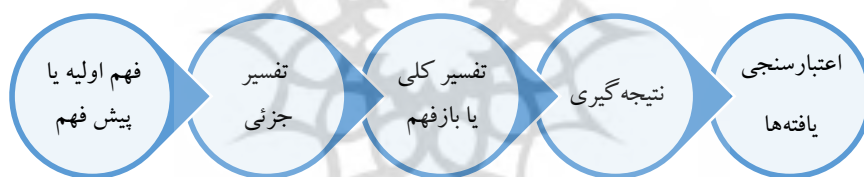
نظر به توضیحات فوق‌الذکر، برای دست یازیدن به مختصات رهیافت اخلاق سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی، باید خوانش نظری و رفتاری آیت‌الله مهدوی از مسائل پنج‌گانه اخلاق سیاسی (منشأ اخلاق سیاسی، معیار اخلاق سیاسی، شرط ارزشمندی اخلاق سیاسی، غایت اخلاق سیاسی و تزامن عمل با ارزش‌های اخلاق سیاسی) را تدقیق کرد.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ ماهیت، بنیادین و به‌لحاظ رویکرد، تفسیری و به‌لحاظ روش، کیفی از نوع هرمنوتیک متن‌محور است. هدف از انجام این پژوهش، تبیین و با‌فهم مبانی نظری و مفهومی موضوع بر اساس تحلیل نظام‌مند منابع مکتوب و مستند است. داده‌های پژوهش به روش کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری موضوعی و مفهومی گردآوری شده است. منابع مرتبط شامل اسناد و متون معتبر از قبیل کتاب‌ها، مجموعه بیانات، سخنرانی‌ها و خطبه‌های آیت‌الله مهدوی کنی در طول دوران حیات مبارزاتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و همچنین علمی او است که در سال‌های اخیر عمدتاً توسط دفتر حفظ و نشر آثار ایشان منتشر شده است. تحلیل داده‌ها با روش کیفی از نوع هرمنوتیک متن‌محور انجام گرفته است. در این

روش، داده‌های متنی اولاً، از طریق فرایند فهم، تفسیر و بازفهم و در ثانی از طریق حرکت جزء به کل و کل به جزء به صورت گام‌به‌گام بررسی می‌شوند. فرایند تحلیل شامل گام‌های زیر است:

گام اول. فهم اولیه یا پیش‌فهم: مطالعه کلی متون جهت درک ایده‌ها و مفاهیم بنیادین؛ گام دوم. تفسیر جزئی: تحلیل گزاره‌ها و مفاهیم کلیدی در بافت نظری و معنایی هر متن؛ گام سوم. تفسیر کلی یا بازفهم: تلفیق نتایج جزئی در چهارچوب کلی پژوهش و بازسازی معنا از طریق تعامل میان جزء و کل (دور هرمنوتیکی)؛ گام چهارم. نتیجه‌گیری نظری: استخراج اصول، مبانی و مفاهیم نهایی حاصل از تحلیل؛ گام پنجم. اعتبارسنجی یافته‌ها: به منظور افزایش دقت و پایایی نتایج، یافته‌های حاصل از تحلیل با دیدگاه‌ها و منابع مشابه و متفاوت مقایسه و بازبینی شده است تا از انسجام و اعتبار نظری نتایج اطمینان حاصل شود.



شکل (۲): مراحل تحلیل هرمنوتیک متن محور

۴. اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی

۴-۱. مختصات رهیافت اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی

۴-۱-۱. منشأ اخلاق سیاسی

آیت‌الله مهدوی کنی در پاسخ به این پرسش که آیا حُسن و قُبُح در امر اخلاق یک امر ذاتی است یا نسبی؟ بر این نکته تأکید دارد که عموم انسان‌ها در دنیا خوبی‌ها و بدی‌ها را نسبی می‌دانند. یعنی مسائل را به نسبت هدف می‌سنجند تا بگویند فلان کار خوب یا بد است؛ مثلاً یک آدم دزد به این اعتبار که می‌گوید می‌خواهم پولدار شوم کار خود را

خوب می‌داند و حال آنکه کسی هم که از طریق تلاش و زحمت، پول حلال به‌دست می‌آورد کار خودش را خوب می‌پندارد (مهدوی کنی، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۷). حال آنکه به اعتقاد ایشان چنین طرز تفکری غلط بوده و آثار و تبعات بسیار ناشایستی از حیث اعتقادی و عملی در جامعه بشری در طول تاریخ داشته است. در این راستا، همچنین آیت‌الله مهدوی با نقد نظر اشاعره مبنی بر اعتباری بودن حُسن و قُبْح امور بر اساس احکام الهی، چنین تفکری را خطرناک و جمودآفرین می‌داند. به اعتقاد ایشان مذهب شیعه این امتیاز خاص را دارد که معتقد به حُسن و قُبْح ذاتی بوده و احکام شریعت را اعم از اخلاقی، فقهی و حقوقی همه را تابع مصالح و مفسدات ذاتی اشیاء به‌شمار می‌آورد. در واقع، خداوند متعال به‌خاطر مصلحت‌ها و مفسده‌ها و ارزش‌ها و ضد ارزش‌های ذاتی احکام خود را جعل کرده است که برخی از آن‌ها حلال و برخی از آن‌ها حرام می‌باشد: «حلال و حرام الهی تابع حُسن و قُبْح ذاتی و مصالح و مفسدات ذاتی است و این امتیاز خاص مذهب تسبیح در فهم مسائل دینی است» (مهدوی کنی، ۱۴۰۲، ص. ۱۷۷).

۴-۱-۲. معیار اخلاق سیاسی

در مجموعه گفتارها و نوشتارهای آیت‌الله مهدوی بیش از هر چیزی، «اخلاق عملی» همواره مورد تأکید بوده است. ایشان مقصود از اخلاق عملی را آداب و دستورهایی می‌داند که در «مسیر تزکیه و تهذیب»، التزام به آن‌ها ضرورت دارد و از طریق عمل به آن، اهداف تحقق می‌یابند (مهدوی کنی، ۱۴۰۲، ص. ۳۲). به عبارتی رسیدن به کمالات انسانی در گرو تزکیه و تهذیب نفس و پرورش روح آدمی است؛ بنابراین معیار فعل اخلاقی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی مستند به آموزه‌های وحیانی و سنت اسلامی، «تزکیه و تهذیب نفس» یعنی «کسب مکارم و فضایل و دوری از رذایل اخلاق» است. ایشان مستند به قرآن مجید (جمعه / آیه ۲) فلسفه بعثت پیامبران علیهم‌السلام را تعلیم و تربیت و تزکیه انسان‌ها می‌دانند و با اشاره به فرمایشی نورانی از حضرت امیر(علیه‌السلام)، به انسان‌هایی که امیدی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب ندارند توصیه می‌کند که در پی مکارم اخلاق باشند چراکه خوشبختی و سعادت از این

طریق دست یافتنی است.

اینکه آیت‌الله مهدوی کنی معیار فعل اخلاقی را تزکیه و تهذیب نفس می‌داند نباید دیدگاه اخلاقی او را همچون فضیلت‌گرایان دانست. به عبارتی دیگر، با مکتب اخلاقی فضیلت‌گرا - اخلاق قدیم و اخلاق حکماء یونانی - اشتباه گرفت. تزکیه و تهذیب نفس به مثابه معیار فعل اخلاقی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی متأثر از بنیان‌های قرآنی رهیافت اخلاقی او می‌باشد و به نظر می‌رسد ایشان از دیدگاه‌های تفسیری علامه طباطبایی تأثیر پذیرفته‌اند. توضیح مطلب آنکه در دیدگاه صاحب تفسیر المیزان، خلاصه مسلک حکماء یونان این است که «نفس خود را اصلاح کنیم و ملکات آن را تعدیل نمایم تا صفات خوبی به دست آوریم، صفاتی که مردم و جامعه آن را بستانند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۵۶۱). به اعتقاد علامه طباطبایی مکتب اخلاقی فضیلت‌گرا بر مبنای «در نظر داشتن فوائد دنیایی فضایل و فوائد علوم و آرایه‌ای که مردم آن را می‌ستایند» استوار شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۵۳۳)؛ به‌عنوان مثال، شجاعت باعث می‌شود آدمی از تلون و هر دم خیالی دور گردد و مردم آدمی را در هر حال چه شکست بخورد و چه پیروز شود می‌ستایند، بر خلاف ترس و تهور، که اگر مرد متهور و مرد ترسو از دشمن شکست بخورد، ملامت می‌شود و اگر هم اتفاقاً دشمن را از بین ببرد، می‌گویند: بختش یاری کرد. به باور علامه، قرآن کریم اخلاق فضیلت‌گرا را به‌خاطر اینکه زیربنای آن را مدح و ذم مردم قرار داده تجویز نکرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۵۳۴) به اعتقاد او حتی در آیاتی نظیر «وَلَا تَنَازَعُوا، فَتَفْشَلُوا، وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ، وَاصْبِرُوا» (انفال / آیه ۴۶)، که مردم را به اخلاق فاضله دعوت کرده و علت آن را فواید دنیایی قرار داده، برگشت آن فواید نیز در حقیقت به ثواب اخروی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۵۳۵).

۴-۱-۳. شرط ارزشمندی اخلاق سیاسی

همان‌طور که ذکر شد در مکاتب اخلاقی معیار ارزشمندی یا عدم ارزشمندی فعل اخلاقی، اغلب نفس عمل و نتایج آن می‌باشد. حال آنکه در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی متأثر از دیدگاه اسلام تنها معیار ارزش فعل اخلاقی، حُسن فعلی نیست بلکه حُسن

فاعلی نیز در ارزشمندی و قضاوت در رابطه با فعل اخلاقی مؤثر است: «حُسن فاعلی مهم‌تر از حُسن فعلی است چون حُسن فاعلی دو خاصیت دارد: هم عمل را نیکو و هم عامل را نیکوکار می‌سازد. برخلاف حُسن فعلی که هیچ‌گونه تأثیری نسبت به عامل ندارد» (مهدوی کنی، ۱۳۹۰، ص. ۴۵۲). به دلیل چنین نگاهی است که آیت‌الله مهدوی کنی معتقد است فردی که برای سیرکردن شکم خود فریاد می‌کشد با فردی که برای نجات عامه مردم فریاد می‌زند یا فردی که برای غنیمت به جبهه می‌رود با آن‌کسی که برای رضای خدا می‌جنگد گرچه حسب ظاهر عمل یکسانی انجام داده‌اند؛ اما به لحاظ قضاوت اخلاقی، اعمالشان یکی نیست. آیت‌الله مهدوی به‌منظور توجه به تأثیر نیت در ارزشمندی فعل اخلاقی در اسلام به نقل روایتی از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌پردازد که برای امروز ما دلالت سیاسی دارد. هنگامی که امام علی (علیه‌السلام) از جنگ جمل باز می‌گشتند یکی از یاران آن حضرت گفت: چه خوب بود برادرم همراه ما بود و پیروزی شما را بر دشمن می‌دید و در فضیلت این جهاد شرکت می‌کرد. حضرت (علیه‌السلام) فرمودند: آیا برادرت از هواداران ماست و دلش با ما بوده است؟ آن فرد پاسخ داد، بله. حضرت خطاب به آن فرد فرمودند اگر واقعاً نیت و انگیزه برادرت همراهی با ما بوده است پس او نیز در ثواب این جهاد شریک بوده و نه تنها او، بلکه هر انسانی که در آینده به دنیا بیاید و خبر این واقعه را بشنود و دوست می‌داشت که با ما در این جنک و جهاد شرکت می‌کرد، در ثواب این جهاد شریک است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲).

۴-۱-۴. غایت اخلاق سیاسی

آیت‌الله مهدوی کنی معتقد است که اخلاق در دنیای غرب بر مبنای منفعت‌گرایی و غایت‌گرایی و رعایت مصالح قومی، گروهی و جناحی بنا شده است (مهدوی کنی، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۹). از این‌رو هدف از کسب فضایل اخلاقی مکاتب مادی فقط اصلاح امور دنیوی است؛ به‌عنوان مثال، ضرورت معاشرت با دیگران اقتضای زیست اخلاقی دارد و آرامش زندگی بدون التزام به جهات اخلاقی ممکن نیست. صداقت و راستگویی یک کاسب به‌منظور جلب اعتماد مشتریان و در نتیجه کسب سود بیش‌تر است نه

ضرورتاً اینکه صداقت یک فعل اخلاقی حُسن می‌باشد. حال آنکه اخلاق اسلامی سبقه الهی داشته و برای اصلاح امور دنیوی و اخروی می‌باشد و هدف نهایی آن تقرب به خداوند است (مهدوی کنی، ۱۴۰۲، ص. ۵۷). آیت‌الله مهدوی در تمایز غایت اخلاق اسلامی با مکاتب اخلاق غربی بر این نکته تأکید دارد که حتی بر خلاف اخلاق فضیلت‌گرایی که افراد به‌دنبال آراستگی به سجایای اخلاقی و صاحب فضایل اخلاقی شدن هستند در اخلاق اسلامی بر این نکته تأکید دارد که عامل اخلاقی به‌دنبال فضیلت‌مندی - شناخته‌شدن به صاحب فضیلت - یا امید به بهشت و ترس از جهنم نیست بلکه «لوجه الله» است. در این مقام، فردی که اهل جود و سخا است به دلیل متخلق شدن به صفات جود و سخا، بخشش نمی‌کند بلکه صرفاً برای رضای خداوند متعال است. در این رابطه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرموده‌اند: اگر ما امیدی به بهشت و ترسی از دوزخ و انتظار ثواب و عقاب نمی‌داشتیم شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم چراکه تنها به‌واسطه مکارم اخلاقی انسان می‌تواند به فوز ابدی نائل گردد. به باور آیت‌الله مهدوی مکارم اخلاق نوعی عمل کردن به مسائل و قانون‌های اخلاقی است که فقط باید در مسیر وجه‌الله یا رضایت الهی - ابتغاء مرضات‌الله - باشد (مهدوی کنی، ۱۴۰۲، صص. ۴۶-۴۷). در این راستا، گفتنی است که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، چنین نگاهی به مسلک اخلاقی قرآن دارند: «غرض از تهذیب اخلاق تنها و تنها رضای خداست نه خود آرایی به منظور جلب نظر و ثنا و بارک الله مردم» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۵۶۱).

۴-۱-۵. تزامم عمل با ارزش‌های اخلاقی

در دیدگاه آیت‌الله مهدوی از یک‌سو، اصول اخلاقی یک امر نسبی است؛ اما این نسبی بودن هیچ تزامم و تعارضی با ذاتی‌بودن حُسن و قُبیح افعال اخلاقی ندارد و از سوی دیگر، ملاک و معیار سنجش مصالح و مفاسد امور بر اساس اهدافی است که شارع مقدس به‌عنوان هدف نهایی یا غایی مشخص کرده است (مهدوی کنی، ۱۴۰۲، ص. ۱۵۴). آیت‌الله مهدوی در نقد دیدگاه اشاعره معتقد است که آثار ذاتی امور باعث ایجاد مصلحت و مفسده و در نتیجه حکم شارع گردیده است؛ بنابراین چون ظلم،

دروغ، غیبت، سوءظن، خیانت، فساد و فحشا مفسد ذاتی داشته و سبب می‌شود انسان را از تقرب الی‌الله دور نماید ممنوع و حرام است. به اعتقاد نگارنده در دیدگاه آیت‌الله مهدوی، «حفظ جان» و «حفظ صلح و آرامش» در زمانی که کیان جامعه و زندگی به خطر افتاده است - از آنجاکه مورد تأیید شارع مقدس است - تنها ملاک نادیده‌گرفتن ارزش‌های اخلاقی در زمان تراحم می‌باشد. در این رابطه توجه به خاطره آیت‌الله مهدوی کنی در زندان رژیم پهلوی خالی از فایده نیست: «در دوران رژیم پهلوی هنگامی که ما را دستگیر می‌کردند و به ساواک می‌بردند ما غالباً دروغ می‌گفتیم و به واسطه این دروغ‌ها هم خودمان نجات پیدا می‌کردیم و هم دیگران را نجات می‌دادیم... ما در آن شرایط دروغ‌گفتن را نه تنها مستحب و لازم می‌دانستیم بلکه برای حفظ جان خود، خانواده و دیگران دروغ‌گفتن واجب بوده است»؛ البته ایشان بر این نکته تأکید دارد شارع مقدس صرفاً برای جان انسان مؤمن در خطر آن هم در دولت کفر و باطل و نه در دولت حق، دروغ‌گفتن را جایز دانسته است (مهدوی کنی، ۱۴۰۲، ص. ۱۷۱).

جدول (۲): ماتریس مختصات رهیافت اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی

مختصات رهیافت اخلاق سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی				
وضعیت تراحم	شرط ارزشمندی	غایت	معیار	منشاء
التزام به ارزش‌های اخلاقی مگر مصلحت بالاتر (حفظ جان و صلح)	حُسن فاعلی به همراه حُسن فعلی	قرب الهی (وجه‌الله)	تهذیب و تزکیه نفس	حُسن و قُبیح ذاتی

۴-۲. صورت‌بندی اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی

نگاه اجمالی به مختصات اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی - همان‌طور که پیش‌تر بررسی شد - دلالت بر این نکته دارد که اساساً رهیافت اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی همخوانی با مکاتب متداول و رایج سه‌گانه نتیجه‌گرایی، وظیفه‌گرایی و حتی فضیلت‌گرایی در امر اخلاق سیاسی ندارد. گرچه می‌توان نشانه‌ها و رگه‌هایی از مزایای مکاتب سه‌گانه در دیدگاه اخلاقی آیت‌الله مهدوی کنی دید؛ اما

به‌لحاظ ماهوی تفاوت بنیادین دارند. به نظر می‌رسد مکاتب سه‌گانه اخلاقی در امر سیاست بیش‌تر جنبه «تجویزی» و «درمانی» دارد حال آنکه در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی مسئله اخلاق و کاربست آن در امر سیاست بیش‌تر جنبه «پیشگیری» دارد. بدین معنا که نگاه اخلاقی به جهان و به تبع آن سیاست، حاکم بر هر کنش رفتاری است. مبتنی بر این دیدگاه سیاست نقش هدایت‌گری جامعه برای رسیدن به سعادت و کمال دارد و اساساً هر کنش سیاسی باید توجیه اخلاقی داشته باشد. به عبارت دیگر، کاربست و اعمال سیاست باید جنبه پیشروی به کمال انسانی - قرب الهی - را تضمین نماید. تدقیق در درس‌گفتارهای اخلاقی و همچنین رفتار سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی بیانگر این نکته است که کنشگر سیاسی باید قبل و حین رفتار سیاسی همواره در سیر و سلوک نفسانی بکوشد و تنها از طریق «تهذیب نفس» است که می‌تواند به مکارم اخلاقی نائل گردد. نظرگاه اخلاقی به سیاست داشتن و همچنین کنش اخلاقی در معرکه سیاست، می‌تواند زمینه کمال فرد و جامعه در مسیر رسیدن به هدف غایی - قرب الهی - را محقق سازد.

در دیدگاه آیت‌الله مهدوی دیدگاه متفکرانی که قائل به تفکیک و تمییز «اخلاق سیاسی» و «سیاست اخلاقی» هستند جایگاهی ندارد و عملاً این همانی بین اخلاق سیاسی و سیاست اخلاقی، حاکم است. در این دیدگاه، اخلاق سیاسی به‌مثابه چهارچوب نظری و مجموعه‌ای از اصول است که سیاستمداران باید در نظر داشته باشند و سیاست اخلاقی، تجلی این اصول در عمل و نحوه مواجهه با مسائل سیاسی به‌صورت اخلاقی است. به عبارت دیگر، اخلاق سیاسی، «چه‌چیزی» را تعیین می‌کند (اصول اخلاقی)، درحالی‌که سیاست اخلاقی، «چگونه» را مشخص می‌کند (نحوه اجرای اصول در عمل). چنین نگرشی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی سبب شده است که نقش اخلاق در اداره جامعه و پیشبرد آن، اساسی به‌شمار آورد. به اعتقاد ایشان نه تنها با قانون نمی‌توان مملکت را اداره کرد بلکه باید مسائل اخلاقی مورد توجه جامعه و زمامداران قرار گیرد. قانون در صورتی مورد عمل قرار می‌گیرد که مردم به اخلاقیات معتقد باشند: «من بر خلاف کسانی که می‌گویند اخلاقیات جزو مستحبات است معتقدم که اخلاقیات جزو واجبات است. اصلاً زیربنای مسائل حقوقی اخلاق است» (مهدوی کنی، ۱۴۰۲،

ص. ۵۵.

رہیافت اخلاقی آیت‌الله مہدوی ریشہ در آموزہ‌های وحیانی و سنت ائمہ اطہار (علیہم‌السلام) دارد. این رہیافت اخلاقی بہ تبیین اصول و ارزش‌های اخلاقی و همچنین چگونگی کاربست آن در عرصہ سیاست می‌پردازد تا فرد و جامعہ را در مسیر رسیدن بہ کمال و سعادت ہدایت نماید. این رہیافت، بر پایہ ایمان بہ خداوند، وحی الہی و معاد استوار بودہ و ہدف آن، پرورش انسان‌هایی است کہ با عمل بہ دستورات الہی، در دنیا و آخرت رستگار شوند. در این دیدگاہ اخلاق رکن اصلی سیاست است و سیاستمداران باید بہ اصول اخلاقی پایبند باشند. از یک‌سو، خدامحوری و اہتمام بہ کسب رضایت خداوند، عدالت و رعایت حقوق مردم، امانت‌بودن مسئولیت‌های سیاسی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، مردم‌داری و خدمت بہ آنها، و حفظ وحدت اسلامی و انسجام ملی، از مهم‌ترین مبانی «اخلاق سیاسی» بہ‌شمار می‌آید و از سوی دیگر برای تحقق «سیاست اخلاقی» التزام بہ تقوا و پرهیزگاری، اخلاص، صداقت در گفتار و رفتار، عقلانیت، مشورت و نقدپذیری از مهم‌ترین مؤلفہ‌های رفتار سیاسی می‌باشد (نک مہدوی کنی، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸).

اہتمام بہ سیرہ نظری و عملی آیت‌الله مہدوی حکایت بر این امر دارد کہ ایشان بیش‌تر تأکید بر اخلاق عملی داشتند و کم‌تر بہ مباحث اخلاق نظری - مگر بہ ضرورت - ورود پیدا کردہ‌اند. برخی از نویسندگان، رہیافت اخلاقی آیت‌الله مہدوی کنی را همان دیدگاہ اخلاق فضیلت‌گرا ارسطویی می‌دانند کہ در سنت فکر اسلامی در کتب تہذیب‌الاخلاق مسکوویہ رازی، اخلاق ناصری خواجہ نصیرالدین طوسی و دیگرانی مطرح شدہ است. واقع امر چنین دیدگاہی در رابطہ با رہیافت ایشان صحیح نیست. آیت‌الله مہدوی در ذیل تقسیم‌بندی مکاتب اخلاقی ضمن بیان مزایا و معایب مکاتب اخلاق فضیلت‌گرا، وظیفہ‌گرا و منفعت‌گرا از گونه چہارم مکتب اخلاقی - اخلاق خداگرا - سخن بہ میان می‌آورد: «اخلاق خداگرایی بالاتر از فضیلت‌گرایی است... برخوردار از اخلاق خداگرایانہ، والاتر از آراستگی بہ دیگر سجایای اخلاقی است» (مہدوی کنی، ۱۴۰۲، ص. ۴۲). براین اساس بہ اعتقاد آیت‌الله مہدوی کنی نباید منکر آثار و نتایج مفید مکاتب اخلاقی متداول در دنیا کہ سطوحی از آرامش در زندگی

دنیوی را تأمین می‌کند شد بلکه باید با درپیش گرفتن اخلاق خداگرا از سطوح عالی اخلاق که تکمیل‌کننده فضایل و مکارم است برخوردار شد. از این جهت است که نگارنده بر این باور است ماهیت اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی بر خلاف مکاتب دیگر «پیشگیرانه» است تا «تجویزی و درمانی». چراکه کنشگر سیاسی برای واقف‌شدن به ضرورت کنش اخلاقی در جهان سیاست باید مبادرت به سیر و سلوک اخلاقی نماید و منزل‌هایی را طی نماید. تا آنگاه بتواند توشه سیاست را به منزل مقصود رساند. تأکید و معرفی آثار اخلاقی چون منازل‌الآخیره شیخ عباس قمی، منازل‌السائرین خواجه عبدالله انصاری، جامع‌السعادت نراقی و المحججه البیضا فیض کاشانی از جانب آیت‌الله مهدوی کنی تأییدی بر رویکرد و رهیافت متفاوت ایشان است (مهدوی کنی، ۱۴۰۲، ص. ۵۹).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار به بررسی و تبیین مختصات رهیافت اخلاق سیاسی در اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی کنی پرداخته شد. در این مقاله ضمن بررسی سه مکتب اصلی در فلسفه اخلاق (وظیفه‌گرا، نتیجه‌گرا و فضیلت‌محور) و چگونگی ارتباط آن‌ها با اخلاق سیاسی به این نکته اشاره شد که رهیافت اخلاقی آیت‌الله مهدوی کنی، فراتر از این مکاتب بوده و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و ایده مکتب «اخلاق متعالی» است. بر اساس مکتب اخلاق متعالی، مختصات رهیافت اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی به شرح ذیل است:

یک. منشأ اخلاق سیاسی: آیت‌الله مهدوی کنی با نقد نسبی‌گرایی اخلاقی، حُسن و قُبْح ذاتی امور را مورد تأکید قرار می‌دهند و احکام شریعت را تابع مصالح و مفساد ذاتی اشیاء می‌دانند.

دو. معیار اخلاق سیاسی: در دیدگاه ایشان معیار فعل اخلاقی، تزکیه و تهذیب نفس و کسب مکارم و فضایل اخلاقی است.

سه. شرط ارزشمندی اخلاق سیاسی: در دیدگاه ایشان، حُسن فاعلی به همراه حُسن فعلی در ارزشمندی و داوری در رابطه با فعل اخلاقی مؤثر است.

چهار. غایت اخلاق سیاسی: غایت اخلاق سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی، قرب الهی و رضایت خداوند است. این همان مفهوم اخلاق متعالی است که در آن، هدف نهایی، رسیدن به کمال انسانی و قرب الهی است.

پنج. تراحم عمل با ارزش‌های اخلاقی: در زمان تراحم ارزش‌های اخلاقی، تنها حفظ جان و حفظ صلح و آرامش - بنا به مجوز شارع مقدس - می‌تواند ملاک نادیده گرفتن سایر ارزش‌های اخلاقی باشد.

در مجموع، آیت‌الله مهدوی کنی، اخلاق را نه صرفاً مجموعه‌ای از قواعد و دستورالعمل‌ها بلکه راهی برای رسیدن به کمال انسانی و قرب الهی می‌داند. ایشان با تأکید بر تزکیه نفس و تهذیب اخلاق، معتقد بودند که سیاستمداران باید قبل از هر چیز، به اصلاح خود بپردازند و با کسب فضایل اخلاقی، زمینه را برای تحقق اهداف عالی نظام اسلامی فراهم کنند. اخلاق متعالی در اندیشه ایشان، شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اصولی است که سیاستمداران باید در عمل به آن‌ها التزام داشته باشند.

اندیشه و عمل آیت‌الله مهدوی با تأکید بر تزکیه نفس، کسب فضایل اخلاقی و رعایت اصول اخلاقی در عرصه سیاست، الگویی از اخلاق سیاست ارائه می‌دهد که مناسب برای سیاستمداران و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی است.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

احمدی طباطبایی، سیدمحمد رضا (۱۳۸۴). تأثیر رساله اخلاق ارسطو در میراث اخلاقی و مدنی حکمای اسلامی. *دانش سیاسی*، ۱(۱)، ۱۰۳-۱۲۷.

افتخاری، اصغر و شهباز، حسن (۱۳۹۸). کالبدشکافی ابعاد امنیت از منظر آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه). *دانش سیاسی*، ۱۵(۳۰)، ۳۱۷-۳۴۶.

افتخاری، اصغر (۱۴۰۰). *دانشنامه اندیشه سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه)*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

- برادران حقیر، مریم و موحدیان، میلاد (۱۴۰۱). تربیت یافتگی سیاسی در اندیشه و سیره آیت‌الله مهدوی کنی. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۱۰(۱۸)، ۳۹-۶۱.
- پورجعفری صدرآباد، مهدی و موحدیان، میلاد (۱۳۹۸). سیاستمدار صادق: مجموعه گفتارها، نوشتارها و پرسش و پاسخ‌های سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه). تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- حسینی، سیدجواد؛ طاهری، مهدی و طهمورث، حسین (۱۴۰۱). مؤلفه‌های سیاست اخلاقی در مدیران سیاسی؛ مطالعه موردی آیت‌الله مهدوی کنی در مواجهه با پنج گروه خاص. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۲(۴۲)، ۱۲۹-۱۵۶.
- حیدری، وحید و طحان نظیف، هادی (۱۴۰۰). رابطه حقوق و اخلاق از منظر آیت‌الله مهدوی کنی. اندیشه‌های حقوق عمومی، ۱۱(۲۰)، ۷۳-۸۴.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۹). نسبت بین اخلاق و منفعت در روابط بین‌الملل. دانش سیاسی، ۶(۱۱)، ۵-۲۶.
- داروال، استیوان و دیگران (۱۳۸۱). نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم. ترجمه مصطفی ملکیان، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- راسل، برتراند (۱۳۶۵). تاریخ فلسفه غرب. ترجمه نجف دریابندری. تهران: پرواز.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طحان نظیف، هادی؛ قلیچ‌پور، سجاد و پاک‌نژاد، امین‌الله (۱۳۹۸). ولایت فقیه در اندیشه آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه). دانش سیاسی، ۱۵(۳۰)، ۴۶۵-۴۸۸.
- علوی، سیدعلی و جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۹۹). آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه) و جامعه روحانیت مبارز. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- فرهادی، روح‌الله و شفیع قهفرخی، امید (۱۴۰۲). بازنگری سیاست مقاومت در سپهر نظریه‌های اخلاق هنجاری. دانش سیاسی، ۱۹(ویژه‌نامه اول؛ مقاومت)، ۱۴۷-۱۶۸.
- قیصری، مهدی (۱۳۹۵). یار امام، یاور رهبر [زندگی و مبارزات آیت‌الله مهدوی کنی]. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ماکیاوی، نیکولو (۱۳۷۵). شهریار. ترجمه داریوش آشوری. تهران: مرکز.
- ماکیاوی، نیکولو (۱۳۷۷). گفتارها. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: خوارزمی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. تحقیق و نگارش: احمد

- حسین شریفی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- موحدیان، میلاد و افتخاری، اصغر (۱۳۹۶). ابعاد مفهومی مدارای سیاسی در جامعه اسلامی با تأکید بر سیره آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه). *دانش سیاسی*، ۱۳(۲۶)، ۵۸-۳۵.
- موحدیان، میلاد و افتخاری، اصغر (۱۴۰۱). تحلیل جایگاه روحانیت در سیاست از منظر آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه). *دانش سیاسی*، ۱۸(۳۶)، ۵۹۷-۶۲۲.
- موحدیان، میلاد و فقیه حقانی، موسی (۱۳۹۷). *مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش ملی تاریخی، پژوهشی نکوداشت آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه)*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- موسوی صمدی، سیداحمد (۱۳۹۸). *فقیه بصیر: مروری بر آراء و اندیشه‌های حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (رحمت‌الله‌علیه)*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- میرعابدینی، سیدمهدی و احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۷). رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی. *دانش سیاسی*، ۱۴(۲۷)، ۱۱۷-۱۴۰.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰). *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۳). *سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی*. تدوین نادر جعفری. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۸). *سیاستمدار صادق: مجموعه گفتارها، نوشتارها و پرسش و پاسخ‌های سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی*. تدوین میلاد موحدیان و مهدی پورجعفری. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۴۰۲). *مجموعه درس گفتارهای اخلاق حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (جلد اول: مقدمه‌ای بر علم اخلاق)*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- نادری، مهدی (۱۳۹۶). مدل نظری اخلاق جنگ در تفکر شیعی با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت‌الله سیستانی. *دانش سیاسی*، ۱۳(۲)، ۳۴-۵.

References

- Ahmadi Tabatabaei, Seyyed Mohammad Reza (2005). *The Influence of Aristotle's Nicomachean Ethics on the Ethical and Civic Heritage of Islamic Philosophers*. *Danesh-e Siasi*, 1(1), 103-127. (In persian)
- Alavi, Seyyed Ali & Jafari Haftkhani, Nader (2020). *Ayatollah Mahdavi Kani and the Combatant Clergy Association*. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Aristotle. (1985). *Nicomachean Ethics* (T. Irwin, Trans.). Indianapolis: Hackett

- Publishing.
- Baradaran Haqir, Maryam & Movahhedian, Milad (2022). Political Socialization in the Thought and Conduct of Ayatollah Mahdavi Kani. *Educational Sciences from the Islamic Perspective*, 10(18), 39–61. (In persian)
- Bentham, J. (1988). *The principles of morals and legislation* (J. H. Burns & H. L. A. Hart, Eds.). Oxford University Press. (Original work published 1789)
- Darwall, Stephen & et al. (2002). *Perspectives on Twentieth-Century Moral Philosophy*. Translated by Mostafa Malekian. Tehran: Sohrevardi Research and Publishing Office. (In persian)
- Eftekhari, Asghar & Shahbaz, Hassan (2019). An Analysis of the Dimensions of Security from the Perspective of Ayatollah Mahdavi Kani. *Danesh-e Siasi*, 15(30), 317–346. (In persian)
- Eftekhari, Asghar (2021). *Encyclopedia of Ayatollah Mahdavi Kani's Political Thought*. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Farhadi, Ruhollah & Shafiei Ghahfarrokhi, Omid (2023). Reconsidering the Politics of Resistance within the Framework of Normative Ethical Theories. *Danesh-e Siasi*, 19(Special Issue: Resistance), 147–168. (In persian)
- Gheysari, Mehdi (2016). *Companion of the Imam, Supporter of the Leader: The Life and Struggles of Ayatollah Mahdavi Kani*. Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (In persian)
- Heidari, Vahid & Tahhan Nazif, Hadi (2021). The Relationship between Law and Ethics from the Perspective of Ayatollah Mahdavi Kani. *Public Law Thoughts*, 11(20), 73–84. (In persian)
- Hosseini, Seyyed Javad; Taheri, Mehdi & Tahmoures, Hossein (2022). Components of Ethical Politics among Political Managers: A Case Study of Ayatollah Mahdavi Kani's Approach toward Five Specific Groups. *Islamic Revolution Research Quarterly*, 12(42), 129–156. (In persian)
- Hursthouse, R. & Pettigrove, G. (2018). *Virtue Ethics*. *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Fall 2018 Edition).
- Kant, I. (1998). *Groundwork of the metaphysics of morals* (M. Gregor, Trans.).
- Khani, Mohammad Hassan (2010). The Relationship between Ethics and Interest in International Relations. *Danesh-e Siasi*, 6(11), 5–26. (In persian)
- Machiavelli, Niccolò (1996). *The Prince*. Translated by Dariush Ashouri. Tehran: Markaz Publications. (In persian)
- Machiavelli, Niccolò (1998). *Discourses*. Translated by Mohammad Hassan Lotfi. Tehran: Khwarazmi. (In persian)
- MacIntyre, Alasdair (2007). *After Virtue: A Study in Moral Theory, Third Edition*. University of Notre Dame. Chapter. <https://doi.org/10.7274/24725406.v1>
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza (2011). *Foundational Points in Practical Ethics*. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza (2014). *Ethical Politics and Political Ethics*. Compiled by Nader Jafari. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza (2019). *The Honest Politician: A Collection of Political Speeches, Writings, and Q&A*. Compiled by Milad Movahhedian & Mehdi Pourja'fari. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza (2023). *Collected Lectures on Ethics by Ayatollah Mahdavi Kani (Vol. 1: An Introduction to Moral Science)*. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (2005). *A Critical Review of Ethical Schools*.

- Researched and written by Ahmad Hossein Sharifi. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. (In persian)
- Mirabedini, Seyyed Mehdi & Ahmadi Tabatabaei, Seyyed Mohammad Reza (2018). The Relationship between Ethics and Politics in the Thought of Ayatollah Javadi Amoli. *Danesh-e Siasi*, 14(27), 117–140. (In persian)
- Mousavi Samadi, Seyyed Ahmad (2019). *The Insightful Jurist: A Review of the Views and Thoughts of Ayatollah Mahdavi Kani*. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Movahhedian, Milad & Eftekhari, Asghar (2017). Conceptual Dimensions of Political Tolerance in Islamic Society with Emphasis on the Conduct of Ayatollah Mahdavi Kani. *Danesh-e Siasi*, 13(26), 35–58. (In persian)
- Movahhedian, Milad & Eftekhari, Asghar (2022). An Analysis of the Position of the Clergy in Politics from the Perspective of Ayatollah Mahdavi Kani. *Danesh-e Siasi*, 18(36), 597–622. (In persian)
- Movahhedian, Milad & Faqih Haqqani, Mousa (2018). *Proceedings of the National Historical-Research Conference in Commemoration of Ayatollah Mahdavi Kani*. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Naderi, Mehdi (2017). A Theoretical Model of the Ethics of War in Shi'i Thought with Emphasis on Ayatollah Sistani's Views. *Danesh-e Siasi*, 13(2), 5–34. (In persian)
- Pourja'fari Sadrabad, Mehdi & Movahhedian, Milad (2019). *The Honest Politician: A Collection of Political Speeches, Writings, and Q&A of Ayatollah Mahdavi Kani*. Tehran: Imam Sadiq University. (In persian)
- Russell, Bertrand (1986). *History of Western Philosophy*. Translated by Najaf Daryabandari. Vol. 1. Tehran: Parvaz. (In persian)
- Smart, J. J. C. & Williams, B. (1973). *Utilitarianism: For and against*. Cambridge University Press.
- Stuart Mill, John & Bentham, Jeremy (1987). *Utilitarianism and other essays*. ed by Alan Rayan. London: penguin books.
- Stuart Mill, John (2000). *Utilitarianism* in Classics in political philosophy. Edited by Jene M. porter. Canada: prentice hall.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1996). *Al-Mizan: An Exegesis of the Qur'an*. Translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. 20 vols. Qom: Islamic Publications Office of the Seminary Teachers' Society. (In persian)
- Tahhan Nazif, Hadi; Gholichpour, Sajjad & Paknejad, Aminollah (2019). Guardianship of the Jurist (Wilayat al-Faqih) in the Thought of Ayatollah Mahdavi Kani. *Danesh-e Siasi*, 15(30), 465–488. (In persian)